

[View the original article](#)

فراتر از خبر

اروپا میان هزینه‌های جنگ ایران و دشواری تأثیرگذاری بر ترامپ

سعید جعفری

۱۴۰۵/آبان/۰۴



دونالد ترامپ (راست) در دیدار ۱۸ اوت ۲۰۲۵ با رهبران اروپایی در کاخ سفید

در میان شعارهای معترضان ایتالیایی، جمله‌ای در شهر تورین شنیده شد که مخالفت با جنگ را به نگرانی دربارهٔ مخارج روزانه پیوند می‌داد: «ما نمی‌خواهیم هزینهٔ جنگ را بپردازیم». در رم نیز راهپیمایی روز ۲۴ اکتبر در شرایطی برگزار شد که گرانی سوخت و هزینهٔ زندگی به نارضایتی‌ها از دولت دامن زده و این نارضایتی‌ها با شعارهای ضد جنگ نیز همراه شده بود.

هرچند ریشهٔ اعتراضات در ایتالیا فراتر از جنگ با ایران است و میزان نارضایتی از وضعیت اقتصادی ابعاد گسترده‌تری دارد اما جنگ در خلیج فارس، دست‌کم اثر مستقیمی بر افزایش قیمت سوخت در این کشور جنوب اروپا گذاشته است.

در فرانسه در همسایگی ایتالیا هم اعتراض‌های گسترده مطالبات متفاوتی را کنار هم قرار داده و گروه‌های مختلفی از معترضان که از موضوعات متفاوتی از وضعیت مدارس و دانشگاه‌ها گرفته تا اجاره مسکن و قدرت خرید ناراضی هستند به خیابان‌ها آمده‌اند.

بسیاری از این مشکلات پیش از جنگ ایران وجود داشتند، اما افزایش هزینه انرژی، پاسخ دادن به آن‌ها را برای دولت‌هایی که با محدودیت بودجه روبه‌رو هستند دشوارتر کرده است.

هم‌زمان با این اعتراض‌ها، دولت‌های اروپایی برای تأمین سوخت و جلوگیری از دور تازه درگیری به کشورهای خاورمیانه رو آورده‌اند. سفر امانوئل مکرون به خلیج فارس و نشست هشت وزیر خارجه در استانبول، از تازه‌ترین تلاش‌ها برای مهار بحرانی است که هزینه‌هایش به اروپا رسیده، بی‌آنکه دولت‌های اروپایی بتوانند درباره ادامه یا پایان آن تصمیم بگیرند.

بیشتر در این باره:
چرا آمریکا می‌گوید نمی‌داند چه کسی در ایران
تصمیم‌گیر است؟



از قیمت سوخت تا محدودیت کمک‌های دولتی

قیمت سوخت یکی از عیان‌ترین تبعات جنگ در خلیج فارس است که شهروندان اروپایی آن را احساس می‌کنند. بر اساس آمار کمیسیون اروپا، میانگین قیمت هر لیتر بنزین از حدود ۱.۶ یورو در هفته ۲۳ فوریه، پیش از آغاز جنگ، با ۲۲ درصد افزایش به بیش از دو یورو در هفته ۱۹ اکتبر رسیده است. گازوئیل نیز در همین فاصله حدود ۳۴ درصد گران‌تر شده و به لیتري ۲.۲ یورو رسیده است و حالا پر کردن یک باک ۵۰ لیتری گازوئیل، با این میانگین قیمت، حدود ۲۷ یورو بیشتر هزینه دارد.

در فرانسه، وقتی از رولان لسکور، وزیر اقتصاد، درباره گرانی‌ها در این کشور پرسیدند او مسئولیت را متوجه کسانی دانست که هزاران کیلومتر دورتر حضور دارند: «من نه دونالد ترامپ هستم، نه فرمانده سپاه پاسداران». او در همان مصاحبه با رادیو فرانس‌انتر، از حمایت‌های هدفمند سخن گفت، اما امکان کمک‌های همگانی را با توجه به وضعیت بدهی و کسری بودجه رد کرد.

در سطح اتحادیه، دن یورگنسن، کمیسر انرژی، اواخر سپتامبر هزینه اضافی واردات انرژی از آغاز جنگ را بیش از ۱۰۰ میلیارد یورو اعلام کرد؛ پرداختی بیشتر، بدون دریافت انرژی بیشتر. هرچند این رقم مجموع خسارت‌های جنگ به اقتصاد اروپا را نشان نمی‌دهد اما بیانگر بخشی از فشاری است که در این مدت بر مصرف‌کنندگان و شرکت‌های اقتصادی وارد کرده است.

نگرانی درباره ادامه بحران در هشدار میانه اکتبر رهبران اتحادیه نیز دیده می‌شود؛ آن‌ها از خطر اختلال‌های ماندگار در تأمین انرژی، کود و مواد غذایی گفته‌اند. در بریتانیا هم توصیه به نگهداری ذخایر سه‌روزه توجه جلب کرده، هرچند این راهنمای عمومی آمادگی برای شرایط اضطراری از سال ۲۰۲۴ سابقه دارد و هشدار مشخص درباره کمبود ناشی از جنگ ایران نیست.

بیشتر در این باره:

تهدید کابل‌های اینترنت؛ ایران چگونه هزینه جنگ را بالا می‌برد؟



تغییر محاسبات پس از گسترش جنگ

اما موضع کشورهای اروپایی در قبال این جنگ از ابتدا یکسان نبوده و به نظر می‌رسد با گذشت زمان و تغییراتی که در وضعیت درگیری بین ایران با ایالات متحده و اسرائیل رخ داده، رویکرد پایتخت‌های اروپایی نیز دستخوش تغییر شده است.

حبیب حسینی‌فرد، کارشناس مسائل اروپا، در گفت‌وگو با رادیو فردا این وضعیت را حاصل محاسباتی می‌داند که در آغاز جنگ با روند بعدی آن سازگار نبود. او می‌گوید: «اروپا در ارتباط با جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران در وضعیت مخمضه‌آمیزی قرار گرفته است. اوایل جنگ، دست‌کم بخشی از کشورهای اروپایی، از جمله آلمان، با این تصور که جنگ زود تمام می‌شود و کار جمهوری اسلامی ساخته است، از آن استقبال کردند. ولی بعد که جمهوری اسلامی جنگ را منطقه‌ای کرد و تنگه هرمز را وارد بازی کرد، شرایط تغییر کرد».

سخنان فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، در روزهای نخست نمونه‌ای از این نوسان را نشان می‌دهد. او اول مارس از اشتراک نظر با اهداف آمریکا سخن گفت و زمان را برای موعظه متحدان مناسب ندانست، هرچند همان موقع درباره خطر گسترش درگیری هشدار داد. با این حال آقای مرتس که پیشتر از جنگ ۱۲ روزه و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران دفاع و آن را «کار کثیفی» معرفی کرده بود که آمریکا به جای اروپا انجام داده، در دهم مارس، از نبود برنامه‌ای مشترک برای پایان سریع جنگ ابراز نگرانی کرد.

آقای حسینی‌فرد معتقد است اختلال در تنگه هرمز و افزایش قیمت انرژی باعث شد دولت‌های اروپایی بیش از پیش با پیامدهای جنگ روبه‌رو شوند. او به فاصله میان مواضع حمایتی، از جمله سخنان مارک روته، دبیرکل ناتو، و احتیاط دولت‌ها در همراهی عملیاتی اشاره می‌کند و می‌گوید: «رویکردهای مقام‌های اروپایی در این مدت متفاوت و متناقض بوده است. از یک‌سو، مارک روته که دبیرکل ناتو است، از حمایت‌های خود از آمریکا در این جنگ می‌گفت و از سوی دیگر دولت‌های اروپایی به صورت علنی تأکید داشتند که اجازه نداده‌اند ایالات متحده از پایگاه‌های این کشورها در جنگ علیه ایران استفاده کند».

روته در نهایت، تنها اسپانیا و بلژیک را دو کشوری می‌داند که با صراحت با این جنگ مخالفت کرده‌اند.

بیشتر در این باره:

واکر: غرب باید خود را برای رقابتی بلندمدت با ایران، روسیه و چین آماده کند



نگرانی از ایران، با نگاه به اوکراین

این رخدادها در حالی است که روابط میان ایالات متحده و اروپا از زمان بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید به پایین‌ترین سطح خود از زمان جنگ سرد رسیده است. دولت ترامپ کمتر به نگرانی‌های مورد نظر

اروپا توجه می‌کند و در موضوعاتی که برای قاره سبز جنبه امنیت ملی دارند، به شیوه‌ای رفتار می‌کند که نارضایتی رهبران اتحادیه را به همراه دارد.

به‌ویژه در جنگ اوکراین، موضوع روابط میان بروکسل و واشینگتن با چالش‌های جدی همراه بوده است و کی‌یف هم همواره از کاهش معنادار کمک‌های ایالات متحده برای مقابله با حملات روسیه می‌گوید.

اختلاف با واشینگتن درباره جنگ ایران هم در شرایطی شکل گرفته که امنیت خود این قاره نیز به همکاری با آمریکا گره خورده است. جنگ اوکراین و نیاز به حمایت نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده، بر محاسبات دولت‌های اروپایی درباره نحوه برخورد با ترامپ اثر می‌گذارد.

امید به تغییر رویکرد آمریکا در جنگ اوکراین، به باور حسینی‌فرد، در رفتار محتاطانه اروپایی‌ها نقش داشته است: «شاید اروپایی‌ها انتظار داشتند که با عدم موضع‌گیری در جنگ ایران، کمک به آمریکا در منطقه یا اعلام آمادگی برای کمک به آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، به نوعی دل آمریکا را به دست بیاورند؛ با این امید که واشینگتن را درباره معضل نزدیک‌ترشان، یعنی جنگ اوکراین، به تغییر موضع وادار کنند».

به باور او، این انتظار تاکنون نتیجه مطلوب اروپا را نداشته است: «در هر دو مورد کاخ سفید اصولاً به مواضع، منافع و مصالح اروپایی‌ها اعتنایی نمی‌کند. درباره جنگ اوکراین، موضع دولت ترامپ را علیه خودشان و همراهی با پوتین می‌بینند. درباره جنگ خلیج فارس هم دغدغه‌شان این است که جنگ دوباره از سر گرفته نشود و وضعیت بدتر نشود».

در چنین شرایطی، وضعیت پیچیده‌ای برای اروپا رقم خورده و آن‌ها با شرایط دشواری برای مدیریت خطرات و تهدیدهای پیرامون این اتحادیه رو به رو هستند. اروپا از یک طرف از تهران فاصله گرفته است و رخدادهای سال‌های اخیر، مناسبات میان جمهوری اسلامی و پایتخت‌های اروپایی را سردتر از همیشه کرده و از سوی دیگر، مراودات با ایالات متحده به سردی گراییده است.

بیشتر در این باره:

تحلیلگر اوراسیا: ایران منافع در افزایش تنش با آمریکا دارد



تلاش برای رسیدن به واشینگتن از مسیر منطقه؟

در چنین فضایی، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه از ۱۹ تا ۲۱ اکتبر در سفر به خلیج فارس تلاش کرد ضمن گسترش روابط سیاسی با کشورهای این منطقه بر لزوم یافتن راه حل سیاسی برای مناقشه ایران و ایالات متحده تأکید کند و از ادامه تماس‌هایش با واشینگتن و تهران سخن گفت. کاخ الیزه همچنین از تأمین حدود ۱۰۰ هزار تن گازوئیل اضافی در ماه از امارات خبر داد.

دو روز بعد، وزیران خارجه فرانسه، بریتانیا، آلمان و ایتالیا در استانبول با همتایان خود از ترکیه، عربستان، پاکستان و مصر دیدار کردند. تلاش‌هایی که هم با هدف جلوگیری از جنگ تازه در منطقه و هم با این رویکرد که بازیگران در خاورمیانه و اروپا راهی برای خروج از وضعیت کنونی پیدا کنند، شکل گرفت.

این همکاری، به باور حسینی‌فرد، راهی برای جبران محدودیت نفوذ مستقیم اروپا بر کاخ سفید است: «اروپایی‌ها اهرم آن‌چنانی ندارند که واشینگتن را تحت فشار بگذارند یا موضع خود را برای کاخ سفید قابل توجه کنند. کاری که به نظر می‌رسد اکنون بیشتر به سمت آن حرکت می‌کنند، هماهنگ کردن مواضعشان با کشورهای منطقه و تقویت ابتکارهای آن‌هاست».

این کارشناس مسائل اروپا همچنین معتقد است فاصله گرفتن بیشتر برخی کشورهای اروپایی از سیاست‌های اسرائیل هم زمینه‌ای برای همکاری دیپلماتیک را تقویت کرده است. او می‌گوید: «اروپایی‌ها خود را آن‌چنان نیازمند نمی‌بینند که با منافع و مصالح اسرائیل هماهنگ شوند؛ آن هم در جنگی که نمی‌دانند پایان‌ش چه خواهد شد. به همین خاطر بر دیپلماسی تأکید می‌کنند و ترجیح داده‌اند مواضعشان را از طریق کشورهای منطقه به کاخ سفید منتقل کنند».

درگیری مستقیم‌تر با پیامدهای جنگ، نزدیکی سیاسی به واشینگتن و سرمایه‌گذاری کشورهای عربی، از عواملی است که حسینی‌فرد برای نفوذ بیشتر دولت‌های منطقه برمی‌شمارد. او برای توضیح این موضوع می‌گوید: «واقعیت این است که در شرایط فعلی، کشورهای منطقه بیش از اتحادیه اروپا روی کاخ سفید نفوذ دارند و ترامپ بیش از آنکه به نگرانی‌های طرف‌های اروپایی توجه کند، دیدگاه‌های این کشورهای عربی را در محاسباتش مد نظر قرار می‌دهد».

بیشتر در این باره:

توافق ترامپ و پوتین بر سر صادرات گازوئیل روسیه؛
اوکراین آن را «هدیه به کرملین» خواند



تلاش‌های اروپایی برای احیای مسیرهای دیپلماتیک

در کنار این تلاش‌ها، پایگاه اماراتی «ارمنیوز» به نقل از منابع بی‌نام دیپلماتیک اروپایی از طرحی دو مرحله‌ای توسط آلمان، فرانسه و بریتانیا خبر داده که قرار است ضمن باز کردن تنگه هرمز و رفع بخشی از اموال بلوکه‌شده تهران و همچنین کاهش محاصره ایران، زمینه را برای رفتن به مرحله دوم که در نهایت به توافق بر سر برنامه هسته‌ای و رفع تحریم‌ها خواهد انجامید فراهم سازد.

با این حال، چشم‌انداز روشی وجود ندارد که این تلاش‌ها از سوی دو بازیگر چندان جدی گرفته شود. ایران با تجربه ناموفق تعهدات اروپا برای حفظ برجام بعد از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ روبه‌رو است. شاید از آن مهم‌تر، آمریکا از زمان روی کار آمدن دوباره ترامپ، مسائل مربوط به ایران را با همکاری اسرائیل و همچنین نقش‌آفرینی مودی کشورهای عربی پیش برده و در این مسیر جای کشورهای اروپایی خالی بوده است. در نتیجه تردیدهای زیادی وجود دارد که دولت آمریکا، در چنین شرایطی، راه را برای نقش‌آفرینی اروپا در این بحران باز کند.

تصور شکل‌گیری یک جنگ تازه با چشم‌اندازی مبهم برای دولت‌های اروپایی که در داخل با اعتراض به هزینه‌های زندگی رو به رو هستند، می‌تواند بار تازه‌ای بر مشکلات اقتصادی کنونی بیفزاید. این وضعیت دشوار می‌تواند به آن‌ها انگیزه‌ای برای نقش‌آفرینی بیشتر در این مناقشه بدهد تا با افزایش تحرکات خود زمینه توافق میان تهران و واشینگتن را فراهم سازند.

معترضان در رم و پاریس از دولت‌های خود پاسخ می‌خواهند، در حالی که تصمیم‌هایی که بر بخشی از مخارج زندگی آن‌ها اثر می‌گذارد، همچنان در تهران و واشینگتن و خارج از اختیار این دولت‌ها گرفته می‌شود، هرچند شاید ریشه‌های اصلی این نارضایتی‌ها به موضوعاتی کلان‌تر در اتحادیه و همچنین نهاد دولت در کشورهای مختلف اروپایی مرتبط باشد.

این مطلب بخشی از:

